

مبانی نظری تحقق محیط زیست پایدار بر پایه قرآن کریم

محمد شفیق اسکی^۱

فاطمه جعفری کمانگر^۲

شاهرخ سالاریان^۳

چکیده

توجه به محیط زیست و حفظ آن برای نسل‌های آینده و کاهش معضلات زیست‌محیطی، یکی از مسائل مهمی است که همواره مورد عنایت اقشار مختلف جامعه، از حاکمان، سیاست‌گذاران، نخبگان و حتی عموم مردم بوده است. کوشش‌های عملی و علمی بسیاری در این حوزه صورت گرفته تا از جنبه‌های مختلف، پاسخ معضلات داده شود؛ ولی با نگاهی کلان به مشکلات موجود، معلوم می‌شود موانع زیادی برای حل آن‌ها وجود دارد که بسیاری از این موانع زمینه‌ساز معضلات بعدی خواهد شد. بنابراین بهره‌مندی از اصول جامع‌نگر و خطاناپذیر برای تحقق محیط زیست پایدار ضروری به نظر می‌رسد. این اصول در قرآن و تعالیم و حیانی تا حدود زیادی قابل دسترسی است. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای نوشته شده است و از نوع توصیفی تحلیلی است. این پژوهش با توجه به شواهد موجود در قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، نگرش انسان قرآنی به طبیعت را بیان کرده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در قرآن به مبانی نظری‌ای اشاره شده است که به تحقق محیط زیست پایدار کمک می‌کند. این مبانی شش‌گانه مستخرج از قرآن عبارتند از: درک و شعور طبیعت، خلیفه الهی انسان، ایمان و تقوای انسان‌ها، اتقان صنع، بهره‌برداری بهینه از محیط زیست و حفاظت از محیط زیست به عنوان رسالت بشر که با توجه به آن‌ها می‌توان الگوی حفظ محیط زیست پایدار را اجرایی کرد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، آموزه‌ها، اصول پایدار، محیط زیست.

۱. استادیار الاهیات، دانشگاه فرهنگیان، گروه الاهیات و معارف اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، گروه زبان و ادبیات فارسی، تهران، ایران، نویسنده مسئول.

Email: Jafarikamangar@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه قم، ایران.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم مورد بحث در دهه‌های اخیر، توجه به محیط زیست و معضلات زیست‌محیطی است. این مسئله ریشه در انقلاب صنعتی اروپا دارد که سرعت در تولید و بهره‌برداری بی‌حد و مرز از طبیعت را برای سود بیشتر در اولویت قرار داده بود. پیشرفت سریع فناوری و ازدیاد جمعیت در دنیای امروز، انسان را به استفاده بیش از حد از منابع و تغییرات اساسی در محیط زیست وادار کرده است. در آن دوره، انسان بر این باور بود که می‌تواند از ذخایر و منابعی که طبیعت به وی ارزانی داشته، جاودانه استفاده کند. آن روز تعداد کسانی که منابع طبیعی را پایان پذیر می‌دانستند، اندک بودند (صادقی و فراهانی ۱۳۸۹ ش: ص ۲۵). در مقدمه‌ای که ژان رستان بر کتاب *انسان یا طبیعت* نوشت، اعتراف کرد که از این پس، انسان می‌فهمد برای حفظ مصالح و منافع خویش، باید به نگرهبانی و پاسداری از طبیعت بپردازد و بر منش و رفتار خود در برابر طبیعت لجام زند (بونفو، ۱۳۷۵ ش: ص ۲۶۵)؛ زیرا در صورت ادامه چنین رفتارهایی از سوی انسان، ادامه حیات بشر و موجودات زنده در معرض خطری جدی قرار خواهند گرفت.

۱. بیان مسئله

مشکلات زیست‌محیطی هم‌چون کاهش روز افزون مساحت جنگل‌ها، فرسایش خاک، آلودگی آب، انقراض تنوع زیستی، مشکلات مربوط به مواد زائد و پساب‌ها، نیازمند عزمی راسخ از سوی ساکنان کره زمین برای جبران مافات و رفع مشکلات است. محیط زیست به‌عنوان سرمایه عظیم حیات، نیازمند حفاظت و مراقبت دائم همه ساکنان زمینی است؛ بنابراین باید با استفاده صحیح از منابع طبیعی، بهره‌وری در محیط زیست گسترش پیدا کند.

محققان علوم زیست‌محیطی، با همکاری سیاست‌مداران و اقتصاددانان، راهی را پیش پای جامعه جهانی قرار داده‌اند که امروزه از آن با نام توسعه پایدار یاد می‌شود و از جانب سازمان ملل به عنوان راهبرد مطلوب نجات طبیعت به شمار می‌آید (نوروزی، ۱۳۷۷ ش: صص ۲۴-۲۵)؛ راهبردی که در کنفرانس سران زمین به عنوان الگوی جهانی مطرح شد. برای ترسیم گرایش جامعه بین‌الملل به سمت دین، به منظور پایداری و حفاظت منابع طبیعی و محیط زیست، به پژوهش سه‌ساله یک هزار دانشمند، درباره ارتباط دین و زیست‌بوم که در مرکز ادیان جهان در دانشگاه هاروارد آمریکا انجام گرفته، می‌توان اشاره کرد (شاه‌ولی و کوری‌زاده، ۱۳۷۸ ش: ص ۱۰۲).

دین مبین اسلام در میان دیگر ادیان، دارای ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فردی است. خردپذیری و خردپروری، پیوند ناگسستنی با دانش و معرفت، جامع بودن، خاتمیت و عدم حاجت به عصری کردن دین، از جمله امتیازات آن به‌شمار می‌آید. اسلام در کلیه شئون و روابط انسانی،

مقرراتی وضع کرده است. محیط زیست نیز یکی از مسائلی است که در آیات، احادیث و سنت درباره اصول و قواعد آن نظیر چگونگی ارتباط با آب، خاک، زمین، هوا، آلودگی و ...، جامع‌ترین دیدگاه و صحیح‌ترین شیوه تعامل بیان شده است. تا جایی که بسیاری از آیات قرآن کریم به عناصری از طبیعت هم‌چون تین، نحل، نمل، عنکبوت و... اشاره دارد. با توجه به آیه شریفه «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ ما هر چیز را به اندازه آفریده‌ایم» (قمر/۴۹)، خداوند، عالم را مبتنی بر نظم آفریده و بر هم خوردن این نظم، موجبات آسیب‌ها و مشکلات جدی را فراهم خواهد کرد.

۲. پیشینه پژوهش

پیش از این مقالات دیگری نیز در ارتباط با قرآن و محیط زیست نگاشته شده‌اند و هر یک از منظر خاص خود به این امر توجه کرده‌اند. نوبری (۱۳۹۹ش) در پژوهشی به جایگاه عدالت رفتاری در رابطه انسان و محیط زیست از دیدگاه قرآن پرداخته است. در این مقاله، نوع رفتار انسان در تعامل با محیط زیست ذکر شده است. هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۸ش) در پژوهشی به مسئولیت‌های اخلاقی انسان در تعامل با محیط زیست از دیدگاه قرآن می‌پردازد. وی در این پژوهش به این نتیجه دست یافته است که آبادانی و حفظ محیط زیست، استفاده بهینه و بدون افراط و تفریط، جلوگیری از تخریب و آلوده کردن، رعایت حق آیندگان و احترام به محیط زیست از منظر قرآن، جزء وظایف ضروری است. سلیمانی و همکاران (۱۳۹۵ش) نیز در پژوهشی به تبیین مبانی حق بر محیط زیست، در فقه امامیه پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در فقه، ظرفیت‌هایی وجود دارد که اثبات می‌کند حق بر محیط زیست یک حق جمعی و قابل اقامه است. فقه امامیه در صیانت از محیط زیست از آموزه‌های زیادی برخوردار است که در سایه مولفه‌های معنوی محقق می‌گردد. پوررستمی و سلیمانی باغشاه (۱۳۹۴ش) به هستی‌شناسی و نقش آن بر تعامل بشر با محیط زیست از دیدگاه قرآن پرداخته‌اند. در این مقاله آمده است که هستی از نگاه قرآن دارای ویژگی‌هایی چون هدف‌مندی، ذی‌شعوری، نظم و قدسیت است که می‌تواند آثار قابل توجهی در تعامل با محیط زیست داشته باشد. نجاریوریان (۱۳۹۰ش) ضمن بیان کاربرد عناصر طبیعی در قرآن، عوامل تخریب و آلودگی محیط زیست و راه‌های حفظ آن را از منظر قرآن و سنت بیان می‌کند.

چنان‌که مشاهده می‌شود پژوهش‌های فوق، هر یک از منظر خاص خود به رابطه قرآن و محیط زیست پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با نگاهی متفاوت، به دلایل حفظ محیط زیست و مبانی نظری حفظ محیط زیست پایدار از دیدگاه قرآن می‌پردازد.

۳. ضرورت و روش پژوهش

اصلاح رابطه انسان با زمین و جلوگیری از بهره‌برداری لجام‌گسیخته بشر از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری مشترک برای حفاظت محیط زیست، نیازمند یک راهکاربنیادی و کل‌نگر برای تجدید توازن در طبیعت است که نگارندگان را به جستجو در جهان بینی‌های حاوی اندیشه توازن و رابطه دوجانبه سوق داده است. طبیعت در جهان بینی‌های مبتنی بر ادیان ابراهیمی، دارای اهمیت فراوانی بوده است و این ادیان برتری‌ها، مسئولیت‌ها و الزامات خاصی نسبت به طبیعت را برای انسان ترسیم کرده‌اند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و به روش کتابخانه‌ای نگاشته شده است و با غور در قرآن مجید در نظر دارد ضمن نشان دادن ارزش و اهمیتی که قرآن مجید برای حفظ محیط زیست قائل است، به شناخت اصول مندرج در قرآن که مبنای تحقق محیط زیست پایدار است دست یابد و راهکارهایی را که در کلام خداوند برای حفظ این نعمت الهی پیشنهاد داده شده است، مورد شناسایی قرار دهد. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است به این پرسش اصلی پاسخ دهد که: از دیدگاه قرآن، مبنای نظری حفظ محیط زیست پایدار چیست؟ و در ضمن، دلایل ضرورت حفظ محیط زیست از منظر قرآن کریم را مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌ها و بحث

۱. مفاهیم

۱-۱. **محیط زیست:** «محیط» به معنای مکان، اوضاع و احوال و آن چه است که شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول است؛ به عبارت دیگر، محیط، فراگیرنده و جای زندگی آدمی است (معین، ۱۳۸۲ش: ذیل کلمه محیط). هم‌چنین محیط، به معنای جایگاه زندگی، حیات و زیستن است (همان به نقل از: حسینی دشتی، ۱۳۷۸ش: ج ۵، ص ۳۹۳۹).

محیط زیست، عبارتی است که ترکیبی از دانش‌های متفاوت در علم است و شامل مجموعه‌ای از عوامل زیستی و محیطی در قالب محیط زیستی و غیر زیستی (فیزیکی، شیمیایی) است که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. امروزه این تعریف غالباً به انسان و فعالیت‌های او مرتبط می‌شود و می‌توان محیط زیست را مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین، هم‌چون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و غیره که انسان را احاطه می‌کنند، خلاصه کرد (روان‌شادنیا، ۱۳۹۲ش: ص ۱).

شورای اقتصادی اروپا محیط زیست را این‌گونه تعریف کرده است: «محیط زیست، شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌گردد» (کیس، ۱۳۷۹ش:

مفهوم اسلامی محیط زیست، ناظر به زیست‌گاه انسانی با عنایت به تأثیر وجود گونه‌های جانوری مفید و سالم در حفظ و رشد این زیست‌گاه است؛ زیرا در دست‌گاه معرفتی اسلام که از منبع و حیانی کتاب و سنت نشأت گرفته و عقل برهانی را از نظر دور نداشته است، انسان جایگاهی فراتر از جماد و نبات و حیوان و فرشته، و فروتر از خداوند دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۰۵). از این رو، گرچه همه موجودات، همانند انسان از زیبایی در خلقت برخوردارند و با هدفی اصیل خلق شده‌اند و حسن نفسی دارند، ولی چون انسان استعداد خلیفه‌الاهی شدن دارد و در پرتو آن می‌تواند عالم و آدم را بیاراید، نسبت به موجودات دیگر از حسنی زاید بهره می‌برد که مخلوقات دیگر فاقد آن هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ش: ص ۲۰؛ اسلامی، ۱۳۹۱ش: ص ۴).

۲-۱. پایداری: دهخدا در لغت‌نامه خود، واژه پایدار را ثابت، باثبات، دائم، باقی، استوار، همیشه، پابرجا، جاویدان، بادوام و برقرار معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ذیل لغت پایدار) و در لغت‌نامه معین، استوار، پابرجا و ثابت معنا شده است (معین، ۱۳۸۲ش: ذیل لغت پایدار). نخستین بار، دانشمندان محیط زیست بوده‌اند که به مفهوم پایداری توجه کردند و این اصطلاح، به تدریج در سایر حوزه‌های مدیریتی نیز فراگیر شد و جایگاه خود را پیدا کرد. اصطلاح پایداری در نوشته‌های مدرن، نخستین بار توسط یک معدن‌دار آلمانی به نام هانس کارلوویتز مطرح شده است. او از این اصطلاح برای توصیف شیوه درست جنگل‌داری استفاده کرد و گفت: پایداری، یعنی این‌که هم‌زمان با کسب سود، امروز به اثرات بلندمدت فعالیت خود و دوام منافع برای بهره‌برداری در آینده نیز فکر کنیم (کیارسی و رشیدکلویز، ۱۳۹۲ش: ص ۱).

۳-۱. اهمیت حفظ محیط زیست: محیط زیست، محل زندگی و تأمین‌کننده اصلی‌ترین نیازهای انسان است و موضوعی است که اهمیت آن روزبه‌روز رو به افزایش است. محیط زیست طبق تعریف متن حقوقی شورای جامعه اقتصادی اروپا (۲۷ ژوئن ۱۹۶۷) شامل آب، هوا، خاک، عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است. تعریفی جامع‌تر و بهتر درباره محیط زیست در کنوانسیون مسئولیت مدنی خسارات ناشی از اعمال خطرناک در محیط زیست (۲۱ ژوئن ۱۹۹۳)، چنین می‌گوید: محیط زیست شامل منابع طبیعی اعم از تجدیدپذیر و غیرقابل تجدید، کلیه موجودات زنده، محیط مصنوعی دست‌ساخته بشر (مناطق مسکونی، صنعتی، راه‌ها و غیره) و مناظر و چشم‌اندازها است (برخوردار، ۱۳۸۷ش: ص ۱).

موجودات و عوامل طبیعت دارای تأثیرات متقابلی بر روی یکدیگر هستند و وجود تعادل و توازن در عوامل تشکیل‌دهنده محیط زیست، موجب حفظ بقای‌شان خواهد شد. این مهم

موجب شد تا حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از شاخص‌های راهبردی مفهوم توسعه پایدار، توسط اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی، مطرح و وارد عرصه تحقیق و پژوهش دنیا شود. توجه به نیازهای نسل حاضر بدون از بین بردن توانایی‌های نسل آینده یکی از اصول حفظ محیط زیست به شمار می‌رود. لذا بهره‌برداری از منابع طبیعی پایه، نباید فقط برای نسل کنونی حداکثر شود؛ بلکه بهره‌برداری از این منابع باید برای تمام نسل‌های آینده نیز به حداکثر برسد.

عدم استفاده صحیح از منابع طبیعی، بر کیفیت و چرخه طبیعی اثر گذاشته و پیامدهای فاجعه‌آمیزی را به دنبال داشته است. انواع آلودگی‌های هوا، آب، خاک و صوت، موجب بروز بیماری‌هایی لاعلاج در انسان شده که زندگی به دور از استرس و هیجان را دست نیافتنی کرده است. گونه‌های جانوری و گیاهی نیز از این تغییرات مستثنا نیستند و شاهد انقراض برخی از گونه‌های نایاب در طبیعت هستیم.

۲. اصول نظری حفظ محیط زیست در قرآن

قرآن کریم مهم‌ترین و کامل‌ترین کتاب الهی است و در آن حدود ۷۵۰ آیه وجود دارد که در خصوص طبیعت صحبت شده است که با بررسی این آیات می‌توان اصول کلیدی‌ای که در شناسایی محیط زیست و عناصر شکل دهنده آن و ارشادات اخلاقی و الزامات حقوقی مربوط به آن مؤثر است را استخراج کرد. اصول مورد توجه در شش بخش، تقسیم‌بندی می‌شود که در ادامه مورد بحث قرار داده خواهد شد:

۱-۲. طبیعت دارای درک و شعور است: در برخی از آیات قرآن کریم و در بینش اسلامی، موجودات و پدیده‌های گوناگون طبیعت، موجوداتی جان دار، ذی شعور و تسبیح‌گوی معرفی شده‌اند (جهانگیر، ۱۳۹۰ش: ص ۷۲). به مانند: «يَسْبُحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...؛ هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است خدا را تسبیح می‌گویند» (جمعه ۱/); لذا قرآن به عنوان ذوی العقول از آن‌ها یاد می‌کند. «...مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ...؛ هر کس در آسمان‌ها و هر کس که در زمین است» (حج/ ۱۸). یا در آیه ۴۴ سوره مبارکه اسراء، خداوند می‌فرماید: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا؛ هفت آسمان و زمین و هر آن چه در آن‌هاست به ستایش خداوند مشغولند و موجودی نیست جز این‌که تسبیح خدا می‌گوید و لیکن شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید، همانا او بسیار بردبار و آمرزنده گناه خلق است».

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌نویسد: «هر موجودی از موجودات، دارای مرتبه‌ای از

علم است و تسبیح موجودات، تسبیح حقیقی، به زبان قال و نه زبان حال است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۳، ص ۱۵۲).

برخی صاحب نظران، تسبیح موجودات را تسبیح تکوینی دانسته و بیرون از دایره درک و شعور می‌پندارند. ولی برخی هم چون امام خمینی رحمته الله علیه بر این عقیده‌اند که همه ابعاد عالم دارای شعور است و تسبیح موجودات، تسبیح شعوری است نه تکوینی (قلی زاده برندق، ۱۳۸۸ش: ص ۷۱). شعور و آگاهی موجودات طبیعت به حدی است که حتی اعمال و رفتار ما را درک، ثبت و ضبط می‌کنند. «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا؛ در این روز زمین خبرهای خویش را حکایت می‌کند» (زلزال/ ۴). موجودات طبیعی از نظر قرآن کریم هر چند مخلوق و آفریده خدا هستند، موجوداتی بی روح و بی جان نیستند؛ بلکه جان دارند و می‌توانند با طبیعت مانوس شوند؛ با آن به گفتگو بنشینند و نسبت به آن عشق بورزند (اکبری راد، ۱۳۷۸ش: ص ۱۹). آیت الله جوادی آملی در خصوص اداراک و شعور همه موجودات به آیات شریفه «كُلُّ قَدِّ عَلِيمٌ صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ؛ هر یک از آن‌ها نماز و تسبیح خود را می‌داند» (نور/ ۴۱) و «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ وقتی به آن می‌رسند، گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های تنشان به آن چه می‌کردند، گواهی می‌دهند» (فصلت/ ۲۰) استناد می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۷۶ش: ج ۸، ص ۱۱).

به موجب پاره‌ای از آیات و روایات، بسیاری از مخلوقات دیگر هم از جمله آب و حیوان همانند انسان، خود واجد ملاک تقدس‌اند یا به علت شدت آمیختگی آن‌ها با انسان و سایر جنبندگان، نباید آن‌ها را آلوده ساخت؛ به حریم پاک آن‌ها تجاوز کرد و ستم و آزار در حق آن‌ها روا داشت (گرچی، ۱۳۶۳ش: ص ۱۱۴).

از همین جهت که دارای شعور و آگاهی‌اند، اعمال و رفتارمان در آن‌ها اثر مثبت یا منفی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هرگاه پنج چیز در میان شما فاش شود، پنج چیز به شما راه یابد: ... هرگاه زنا در میان شما فاش شود، زلزله رخ دهد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۹، ص ۲۶). یا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قطعاً خداوند به خاطر کسانی از شیعیان ما که زکات می‌دهند، [انواع بلاها و خطرات را] از سایرین نیز دفع می‌کند و اگر همه پرداخت زکات را ترک می‌کردند، نابود می‌شدند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۰، ص ۳۸۲). پس اعمال شبانه‌روز ما ارتباط مستقیم در حفظ محیط زیست خواهد داشت. لذا با توجه به آیه شریفه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ ...؛ به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد» (روم/ ۴۱). معلوم می‌شود انسان قرآنی، به دلیل انجام اعمال صحیح، جزء اولین کسانی است که در حفظ محیط زیست قدم برمی‌دارد. قرآن کریم اعلام می‌دارد که همه موجودات در نظام احسن حق تعالی، بعد از خلقت، هدایت

هم شده‌اند؛ «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ هَدَى؛ گفت: پروردگار ما همان کسی است که آفرینش هر چیزی را به او ارزانی داشته، سپس هدایتش کرده است» (طه/۵۰)؛ لذا هر موجودی از موجودات طبیعت، محیط اطراف زیست‌گاه خود را به بهترین وجه از آلودگی‌ها پاک می‌کند. همه حیوانات در دفع فضولات‌شان برای تمیز ماندن محیط زندگی‌شان اعمال و رفتار خاص خود را بروز می‌دهند؛ یعنی اگر انسان دخالتی در روند زندگی طبیعت نداشته باشد، طبیعت خود را به بهترین وجه حفظ می‌کند. لذا انسان است که موجب از بین بردن نظم موجود در طبیعت می‌شود و اخلال بوجود می‌آورد.

۲-۲. انسان خلیفه الهی است: زیبایی انسان در گرو کرامت اوست. متون مقدس آسمانی به ویژه قرآن کریم، هستی بشر را تکریم کرده و او را موجودی گرامی شمرده‌اند. در قرآن کریم درباره کرامت انسان، چنین آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَيْتِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاَهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آن‌ها روزی دادیم؛ و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (اسراء/۷۰). کرامت انسان، مرهون خلافت اوست؛ زیرا جانشین خداوند از کرامت برخوردار است. از این رو، تعبیری که درباره انسان شده، درباره هیچ موجود دیگر نشده است و آن تعبیر، همین حدیث معروف «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۸۵ ش: ج ۵، ص ۱۹۴) است؛ زیرا شناخت جان آدمی از آن جهت که خلیفه خداست و این خلافت نیز تکوینی است نه قراردادی حتماً به شناخت خدا ختم خواهد شد و اگر به شناخت خداوند منتهی نشد، معلوم می‌شود که انسان به خوبی شناخته نشده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ص ۱۹۵).

خداوند تبارک و تعالی، انسان را جانشین خود بر روی زمین قرار داد: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...؛ و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم» (بقره/۳۰). «خلیفه» به معنی جانشین است و منظور از خلافت الهی، نمایندگی خدا در زمین است و خدا اراده کرد تا موجودی بیافریند که گل سر سبد عالم هستی باشد و شایسته، مقام خلافت الهی و نماینده «الله» در زمین باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱، صص ۱۷۲-۱۷۳). جانشینی انسان از خداوند متعال، امتیازها و مسئولیت‌های فراوانی را برای او پدید می‌آورد که بی‌گمان در روز قیامت از آن بازخواست خواهد شد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، امانت‌داری و پاسداری شایسته از خلافت الهی است: «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛ آن‌گاه شما را در روی زمین جانشین آن‌ها گردانیدیم تا بنگریم که چگونه عمل می‌کنید» (یونس/۱۴) (نورائی،

البته جانشینی انسان به خاطر نیاز و عجز خداوند نیست، بلکه این مقام به خاطر کرامت و فضیلت رتبه انسانیت است (قرآنتی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۹۰). اراده خداوند چنین بود که در روی زمین موجودی بیافریند که پرتویی از صفاتش باشد و مقام و شخصیتش برتر از فرشتگان و تمامی زمین باشد تا خداوند نعمت‌هایش را در اختیار او قرار دهد. چنین موجودی باید بهره‌زبانی از عقل و شعور و ادراک و استعداد ویژه داشته باشد که بتواند رهبری و پیشوایی موجودات زمینی را بر عهده گیرد و این موجود همان انسان بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱، صص ۱۷۲-۱۷۳).

خلافت انسان، اختصاص به شخص حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام ندارد؛ بلکه فرزندان او نیز مطابق آیات: «إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ...» که شما را بعد از قوم نوح خلیفه‌ها کرد» (اعراف/۶۹)، و «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ...» و سپس شما را خلیفه‌ها در زمین کردیم» (یونس/۱۴) و آیه «وَجَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؛ و شما را خلیفه‌ها در زمین کند» (نمل/۶۲)؛ در این مقام با او مشترک‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ص ۱۷۸).

بنابراین، کرامت انسان در پرتو خلافت اوست و «خلیفه»، کسی است که در تمام شئون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب‌انگیزه شود. خدای سبحان که خلعت خلافت را بر اندام انسان پوشانید، جانشینی را، معرفت اسمای حسناى الهی و مرمت قلمرو خلافت و آباد و آزادسازی منطقه جانشینی از نفوذ تخریبی اهریمنان قرار داد و چنین فرمود: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ؛ خدای یگانه شما را از زمین ایجاد کرد و شما را بر آبادی زمین برگماشت؛ پس از او طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه کنید که پروردگار من نزدیک و اجابت‌کننده است» (هود/۶۱). مهم‌ترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هرگونه تباهی و تیرگی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ج ۱، صص ۱۹۵-۱۹۷).

هم‌چنین پروردگار عالم از باب کرامت، زمین و آسمان و آن‌چه که در آن است را مسخر خلیفه خود قرار داد تا از آن بهره‌برداری کند و نیازمندی‌هایش را برطرف سازد: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان نهادیم» (اسراء/۷۰). «... وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ؛ کشتی‌ها را رام شما کرد تا به فرمان او در دریا روان شوند و رودها را مسخر شما ساخت» (ابراهیم/۳۲). «وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ

و النَّهَارِ؛ و آفتاب و ماه را که همواره در حرکت اند رام شما کرد و شب و روز را مسخر شما گردانید» (ابراهیم/۳۳). تسخیر هم به معنای بهره‌گیری از منافع است، مثل تسخیر خورشید و ماه؛ هم به معنای سلطه و تسلط کامل است، نظیر کشتی‌ها و نهرها و تسلط انسان بر آن‌ها (قرآنی، ۱۳۷۸ش: ج ۶، ص ۲۹۰).

راغب اصفهانی در مفردات، تسخیر را به معنای حرکت دادن و راندن قهری به سوی هدف معین دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶ش: ص ۲۳۲). طبرسی نیز در مجمع البیان آن را به رام کردن، معنی کرده است (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۳، ص ۱۳۷).

مکارم شیرازی در ذیل آیه مذکور می‌گوید: «همه موجودات مسخر فرمان خدا در طریق سود انسان‌ها هستند، خواه مسخر فرمان انسان باشند یا نه و به این ترتیب «لام» در «لکم» به اصطلاح «لام» منفعت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۷، ص ۶۴). علامه طباطبایی ذیل آیه می‌گوید: «لام» در «لکم» برای تعلیل غایی است؛ یعنی هدف از تسخیر، بهره‌وری انسان از آسمان‌ها و زمین است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۶، ص ۲۲۹)؛ بنابراین اعم از این‌که «لام» را لام منفعت یا غایت بدانیم تسخیر طبیعت برای نوع انسان در طول حیات پیش‌بینی شده است و حکایت از واقعیتی مهم دارد و آن این‌که استفاده و بهره‌وری از آسمان‌ها و زمین و موجودات آن حق همه انسان‌هاست و هرگونه تصرف و بهره‌وری از طبیعت نباید با حق بهره‌وری دیگری منافات داشته باشد. محیط زیست طبیعی در تسخیر آدمی است تا با تکیه به حق، از تسخیر موجودات بهره ببرند. اگرچه بهره‌گیری که موجب از بین رفتن گونه‌های مختلف موجودات زنده شود و بشر آینده را از استفاده از آن‌ها محروم کند، کفران نعمت الهی است و از مصادیق قطعی سوء استفاده از حق، به شمار می‌آید.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه در خصوص مسئولیت انسان در برابر محیط زیست می‌فرماید: «إِتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ؛ از خدا بترسید درباره بندگانش و سرزمین‌هایش؛ زیرا شما حتی نسبت به قطعه‌های زمین‌ها و چارپایان نیز باید پاسخ‌گو باشید. از خدا اطاعت کنید و نافرمانی او نکنید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸ش: خطبه ۱۶۷). حضرت در این بیان شیوا بیان می‌دارد که انسان در برابر تمام نعمت‌هایی که به او داده شده، حتی زمین و حیوانات نیز مسئول است و باید پاسخ‌گو باشد.

۲-۳. نقش ایمان و تقوی در پایداری محیط زیست:

الف. ایمان و تقوا: برای رسیدن به کمالات معنوی، دو بعد از ابعاد رشد را باید تقویت کرد: نخست بُعد اعتقادی که انسان، ایمان راسخ به مبدأ و معاد داشته باشد و دیگری بُعد عملی که

حریم‌های الهی را به وسیله پارسایی و رعایت تقوا و پیروی از خدا و رسولش نگاه دارد و از آن حریم‌ها تجاوز نکند. این دو بال زمینه سعادت و پیروزی انسان را فراهم می‌سازد.

نکته قابل توجه این است که قرآن برای رشد مادی جوامع انسانی، راه دیگری غیر از اسباب مادی ذکر کرده است و آن حاکمیت ایمان و تقوا در جامعه است که موجب رشد و برکت در زندگی می‌شود. پیامبر ﷺ درباره نقش تقوا در افزایش روزی انسان‌ها می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْسَأَ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَيَوْسَعَ لَهُ فِي رِزْقِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيُصَلِّ رَحْمَهُ؛ هر کس دوست دارد که عمرش طولانی و روزی‌اش زیاد شود، تقوای الهی پیشه کند و صله رحم نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۷، ص ۱۰۲).

اگر مردم ایمان داشته باشند و تقوا و پرهیزگاری پیشه کنند، دروازه‌های برکت آسمان و زمین به روی آن‌ها گشوده می‌شود و شرط گشایش برکت‌های آسمان و زمین، ایمان و تقواست که منظور از ایمان، اعتقاد به خدا و پیامبران و دوری از شرک و کفر است و منظور از تقوا، پرهیز از گناهان و عمل به احکام الهی است. اگر جامعه این دو ویژگی را داشته باشد، جامعه‌ای سعادت‌مند خواهد بود و از نعمت‌های الهی برخوردار خواهد شد و همه عوامل پیشرفت را در اختیار خواهد داشت. چنین جامعه‌ای از برکت‌ها و خیرات آسمان و زمین بهره‌مند خواهد شد. همان‌گونه که خداوند متعال در آیات متعدد قرآن از جمله آیه ۹۶ سوره مبارکه اعراف به این موضوع اشاره کرده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آن‌ها را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم».

از برکت‌های آسمان، یکی باران‌های رحمت خداوند است که باعث رشد و شکوفایی زمین خواهد شد و دیگری عنایت‌های خاص خداوند است که با آن جامعه را همراهی خواهد کرد. از برکت‌های زمین، یکی زراعت‌ها و میوه‌ها و سایر منابع طبیعی است و دیگری امنیت و آسایشی است که خداوند ارزانی آن جامعه خواهد کرد.

اهل لغت برکت را به معنای «فایده ثابت» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶ش: ذیل ماده برک) و «رشد و نمو» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ذیل ماده برک) ذکر کرده‌اند. در قاموس قرآن آمده است: «برکت به معنی ثبوت فایده در اثر نمو و رشد است، مجمع آب را برکه گویند که آب در آن ثابت است» (قرشی بنایی، ۱۳۸۶ش: ذیل ماده برک).

علامه طباطبایی واژه «برکات» را به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۸، ۲۵۴) و مکارم شیرازی می‌گوید این کلمه در اصل

به معنی «ثبات» و استقرار چیزی است و به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می‌گردد. در برابر، موجوداتی بی برکت هستند که زود فانی، نابود و بی اثر می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۶، ص ۲۶۶)

با توجه به این معنا، آن چه در برکت مهم است، دوام بهره‌برداری از نعمت‌هاست؛ بنابراین برکت منحصر در وفور نعمت نیست؛ زیرا چه بسا وفور نعمت باشد؛ اما عاری از دوام، آرامش، امنیت، رضایت و سلامتی جسم و روان؛ بنابراین مراد از گشایش برکت‌های آسمان و زمین برای مؤمنان پارسا، آن زندگی پاکی است که با همان مقدار از نعمت‌های مادی که دارد بهترین بهره‌برداری‌ها را بدون طغیان و سرکشی داشته باشد و در آن، امنیت، آرامش و رضایت حکم فرما گردد و همیشه با او همراه باشد. آن چنان که در فراز آخر از دعای ابو حمزه آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ يَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يَصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَ رَضِنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي؛ خدایا! از تو ایمانی می‌خواهم که با قلبم همراه باشد و یقینی عنایت کن تا بدانم چیزی به من نمی‌رسد؛ مگر آن چه را برایم نوشته‌ای و مرا به آن چه تقسیم کرده‌ای، راضی قرار ده» (قمی، ۱۳۹۷ ش: دعای ابو حمزه ثمالی). این آیه و آیات مشابه به روشنی رمز سعادت است و ذلت و سقوط جوامع را بیان می‌کند و اعلام می‌دارد که عامل سعادت جامعه، ایمان و تقوا و عامل سقوط آن، دوری از مکتب پیامبران و تکذیب آن‌هاست.

باید دانست که جامعه سعادت‌مند، جامعه‌ای است که مردم در آن امنیت و آسایش همراه با برخورداری از رفاه داشته باشند و پیشرفت‌های مادی اگر همراه با آرامش فکری و اطمینان خاطر نباشد، سعادت‌آور نیست و تنها چیزی که مردم را از چنین آرامش و اطمینانی بهره‌مند می‌سازد و نگرانی و اضطراب را از بین می‌برد، ایمان به خدا و ارزش‌های الهی است (جعفری، ۱۳۷۴ ش: ج ۴، ص ۱۵۷).

ب: استغفار: بسیاری از مشکلات بشر به سبب گناهان است؛ لذا یکی از قوانینی که در نظام خلقت وجود دارد، قانون استغفار است. زیرا فساد از بین برنده نعمت‌هاست: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يِهْلِكَ الْحَرْثُ وَ النَّسْلُ وَ اللَّهُ لَا يَجِبُ الْفُسَادَ؛ هنگامی که روی برمی‌گرداند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با این‌که می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد» (بقره/ ۲۰۵) و مغفرت و بخشش خداوند، نعمت‌ها را بر انسان‌ها افزون می‌سازد. این‌گونه است که در دعای کمیل از خداوند می‌خواهیم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ». پس استغفار از گناهان، فاصله بین انسان و خدا را برمی‌دارد و باعث می‌شود انسان در معرض لطف، عطا و بخشش خداوند قرار بگیرد. استغفار

فقط این نیست که گناه بخشیده می‌شود؛ بلکه اگر موانعی بر سر راه رسیدن خیر و برکت به انسان وجود داشته باشد، آن موانع را نیز برطرف می‌کند. استغفار و توبه موجب می‌شود تا انسان به مسیر درست بازگردد و خود را سرزنش کند که مسیر نادرستی را پیموده است. از این رو در آیات قرآنی، استغفار به عنوان عامل مهمی در دفع و رفع بلا و جلب نعمت معرفی شده است. از جمله کارکردهای استغفار افزایش رزق است که در آیات آمده و حضرت علی علیه السلام نیز درباره آن می‌فرماید: «الِاسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ استغفار روزی را زیاد می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۳، ص ۳۱). اگر انسان‌ها از گناهان خود استغفار و توبه کنند و به سوی خدا برگردند، خداوند رزق و روزی فراوان برای آن‌ها ارسال می‌کند که باعث قدرت و شوکت آن‌ها می‌شود. این خاصیت استغفار است که در آیات دیگر و روایات بسیار هم آمده است و سبب آبادانی، رفاه و جلب روزی و دفع بلا می‌شود. چنان‌که خدای سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند» (انفال/۳۳). بنا بر آیات ۱۰ الی ۱۲ سوره نوح استغفار کردن، علاوه بر جلوگیری از عذاب و بلا، باعث ازدیاد روزی و تزریق برکت به زندگی خواهد شد: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا، يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا؛ پس [به آن‌ها] گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره بسیار آمرزنده است، تا بر شما از آسمان باران پی‌درپی و با برکت فرستد و شما را با اموال و فرزندان یاری کند و برای‌تان باغ‌ها و نهرها قرار دهد».

خداوند از زبان حضرت نوح علیه السلام بیان می‌کند که اگر همین کافران طغیان‌گر، دست از لجاجت بردارند و توبه کنند، خداوند نعمت‌های خودش را برای آن‌ها ارزانی می‌دارد: «وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ؛ ای قوم من! از پروردگارتان طلب عفو و سپس به درگاهش توبه کنید تا باران فراوان و پی‌درپی از آسمان بر شما فرو فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید...» (هود/۵۲).

قرآن پیوند روشنی میان مسائل معنوی و مادی بر قرار می‌سازد و استغفار از گناه و بازگشت به سوی خدا را مایه آبادانی و خرمی و طراوت و سرسبزی و اضافه شدن نیرویی بر نیروها معرفی می‌کند. آیه به پیوند مسائل معنوی و مادی اشاره دارد و استغفار و توبه را مایه بارش باران، آبادانی و افزایش نیروها معرفی می‌کند. البته این رابطه کاملاً مجهول و ناشناخته نیست و با دقت در جوامع بشری روشن می‌شود که هرگاه جامعه‌ای آلوده به گناه، هوس، خیانت، دزدی، جنگ و ستمکاری شود، آن جامعه رو به ویرانی می‌رود و جامعه‌ای که با روح توحیدی و همکاری و انفاق شکل گیرد،

رو به آبادی می‌رود و پربرت می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ج ۹، ص ۲۴۴).
از این آیه می‌توان این‌گونه استنباط کرد که ارتباطی کامل بین اعمال انسان‌ها با حوادث عالم برقرار است، حوادثی که با زندگی انسان‌ها تماس دارد. اعمال صالح باعث می‌شود که خیرات عالم زیاد شود و برکات نازل گردد و اعمال زشت باعث می‌شود بلاها و محنت‌ها پشت سر هم بر سر انسان‌ها فرود آید و نعمت و بدبختی و هلاکت به سوی او جلب شود، و این نکته از آیات دیگر قرآنی نیز استفاده می‌شود. از آن جمله آیه ۹۶ سوره اعراف است که همین مطلب را به طور صریح خاطر نشان می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۰، صص ۴۴۵-۴۴۶).

در روایات اسلامی می‌خوانیم که ربیع بن صبیح می‌گوید: نزد امام حسن علیه السلام بودم. مردی از در وارد شد و از خشکسالی آبادیش شکایت کرد. امام به او گفت: استغفار کن، دیگری آمد از فقر شکایت کرد؛ به او نیز گفت استغفار کن. سومی آمد و به او گفت: دعا کن خداوند پسری به من بدهد به او نیز گفت استغفار کن. ربیع می‌گوید (من تعجب کردم) و به او گفتم هر کس نزد تو می‌آید و مشکلی دارد و تقاضای نعمتی، به او همین دستور را می‌دهی و به همه می‌گویی استغفار کنید و از خدا طلب آموزش نمایید. وی در جواب من گفت: آن چه را گفتم از پیش خود نگفتم، من این مطلب را از کلام خدا که از پیامبرش نوح حکایت می‌کند، استفاده کردم و سپس آیات سوره نوح را که در بالا ذکر شد تلاوت کرد (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۰، ص ۳۶۱).

۲-۴. اتقان صنع: توازن محیط زیست یکی از مسائل مهم زیست‌محیطی است و به معنای تعادل و تناسب موجودات، شرایط و مناسباتی است که در طبیعت شکل می‌گیرد و با تضمین حیات هرگونه جانداری، امکان بهره‌برداری حداکثری از آن را فراهم می‌سازد. بر این اساس شمار هر پدیده کاملاً محاسبه شده و میان اجزای آن تعادل و تناسب لازم پیش بینی شده است، همان‌گونه که این تناسب، میان پدیده‌های گوناگون طبیعت نیز یافت می‌شود.

موجودات عالم بر اساس یک نظام متوازن، مقادیر و اندازه‌های خاص و معینی آفریده شده‌اند. آب، ساختار درونی ویژه‌ای دارد که تنها با حفظ آن ساختار، حیات بخش است. هوا از گازهای متنوع تشکیل شده است که به هم خوردن این ترکیب، ویژگی فرح‌بخشی آن را گرفته و مضرّ به حال موجودات زنده خواهد ساخت. این قانون تکوینی در تمام موجودات جهان وجود دارد و در آیات متعددی به این مسئله اشاره شده است: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ؛ هرچه هست خزائن آن نزد ماست و ما جز به اندازه‌های معین آن را فرو نمی‌فرستیم» (حجر/۲۱). خزانه یعنی مکانی که مال در آن انبار، محافظت و ذخیره می‌شود و قدر یعنی مبلغ، مقدار و کمیت معین هر چیز. لذا از معنی آیه برداشت می‌شود که هر چیزی قبل از نزولش به این

عالم و استقرارش در دنیا، خزینه‌هایی در نزد خدای متعال دارد که در آن جا محدود به حد و مقدر به قدری نیست؛ اما زمانی که جامه وجود پوشید، محدود و مقدر می‌شود. پس خداست که باران را می‌فرستد و گیاهان را می‌رویانند و مایه معیشت انسان‌ها و حیوانات را فراهم می‌کند و هر چیز در نزد او به مقدار معین و مطابق حکمتش است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۲، ص ۲۰۳). «... قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ هر چیز را اندازه‌ای قرار داده است» (طلاق / ۳) (قلی زاده برندق، ۱۳۸۸ش: ص ۷۳). این قانون به‌گونه‌ای است که نباید در آن فساد ایجاد نمود: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...؛ بعد از اصلاح زمین، در آن فساد به راه نیندازید» (اعراف / ۵۶) (حجتی و سلامی، ۱۳۹۰ش: ص ۱۸).

خداوند در پاسخ به این پرسش که اگر نعمت‌ها و رزق و روزی به دست خداست، پس چرا به مقدار زیادی به انسان‌ها نمی‌دهد تا از هرگونه تلاش بی‌نیاز شوند... در آیه ۲۱ سوره حجر می‌فرماید که در حقیقت منبع و سرچشمه همه چیز در نزد ماست ولی همه چیز در این جهان حساب دارد و بر اساس حکمت و اندازه معین قرار داده شده و از این روست که در آیات دیگری از قرآن اشاره شده که اگر خدا روزی بی‌حساب به بندگانش می‌داد، طغیان می‌کردند و از راه حق منحرف می‌شدند و علاوه بر آن اگر روزی زیاد به مردم داده می‌شد، سست می‌شدند و از حرکت و نشاط فکری و جسمی باز می‌ماندند و به تن‌پروری، غرور، خودخواهی و شهوت‌پرستی روی می‌آوردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۱، ص ۵۶).

واژه فساد به معنی خرابی، تغییر، خسارت و ضرر آمده و فساد در قرآن کریم در برابر اصلاح به کار رفته است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ؛ وقتی به آن‌ها گفته می‌شود که در روی زمین فساد نکنید، گویند که فقط ما اصلاح‌گر هستیم» (بقره / ۱۱). بله؛ نابود کردن گیاهان، مزارع و موجودات زنده فساد است و بر هر عملی که به دست بشر انجام و موجب اختلال در طبیعت و نظم حاکم در خلقت و تکوین اشیاء شود، مطابقت می‌کند. از همین جهت فقهای ما برای اثبات حرمت تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی مثل بمب اتمی و میکروبی از این آیات استفاده کرده و فتوا به حرمت استفاده از آن را داده‌اند؛ چراکه اثرات آن، گاه تا ۱۰۰ سال باقی می‌ماند؛ مثلاً عملکرد طبیعی خاک را مختل می‌کند و موجب اختلالات ژنتیکی در گیاهان می‌شود؛ بنابراین باید در برخورد با محیط زیست، چارچوب‌هایی را در نظر گرفت و از دخل و تصرف بی‌رویه در آن پرهیز کرد.

۲-۵. بهره‌برداری بهینه از محیط زیست: همان‌طور که اشاره شد، انسان جانشین و خلیفه خداوند در زمین است و خداوند اختیار استفاده تمام مواهب زمین در جهت عمرانی و آبادانی را به

انسان داده است؛ لذا جانشینی و خلافت ایجاب می‌کند که او امانت زمین را به بهترین شکل حفظ کند و آن را از هرگونه تخریب و فساد مصون نگه دارد و با دانش و علم، نسبت به بهره‌وری و عمران زمین بکوشد و فضای زیست‌محیطی موجودات دیگر را تضمین کند و امکان بهره‌وری همگانی و همیشگی را برای همه موجودات در زمین فراهم آورد.

با توجه به این‌که انسان، محور جهان طبیعت در کره زمین است و کارایی و ثمربخشی پدیده‌های عالم در جهت منافع، مصالح، زندگی، بالندگی و آزمون او طراحی شده است، لذا بهترین بهره‌برداری را از طبیعت می‌تواند داشته باشد؛ جز آن‌جا که به ضرر و زیان جدی او بیانجامد: «يَأْيُهَا النَّاسُ كُلُّوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا...؛ ای مردم! از آن‌چه در روی زمین از حلال و پاکیزه است تناول کنید» (بقره/۱۶۸) (زروانی و خداجویان، ۱۳۸۴ ش: ص ۲۵۲). اما اگر همین انسان به دنبال اسراف باشد از اجرای تعهدات اجتماعی خود باز می‌ماند و بر پیکر جامعه ضربه خواهد زد.

در همین جهت، خداوند، درباره بهره‌برداری نادرست و اسراف‌گونه فرموده است: «...كُلُّوْا وَ اَشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا...؛ بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید» (اعراف/۳۱) و در مواردی آن را مایه فساد و از کارهای شیطانی می‌داند: «... فَلْيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ...؛ آفرینش خدایی را تغییر دهند» (نساء/۱۱۹)؛ «...كُلُّوْا وَ اَشْرَبُوْا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْنُوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ از روزی خدا تناول کنید و بیاشامید و در زمین به فساد و تجاوز نپردازید» (بقره/۶۰). شیطان برخی را گمراه بر این کار می‌کند که با بهره‌برداری بی‌رویه و خارج از چارچوب خاص، در خلقت الهی دست ببرند و تغییرات ناموزون ایجاد کنند. با این‌که خلقت الهی در طبیعت به زیبایی صورت گرفته‌است، اما با دخالت انسان‌ها این زیبایی به زشتی تبدیل می‌شود. خدایی که خود انسان را زیبا خلق کرد: «... وَ صَوَّرَ كُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيْرُ» (تغابن/۳)، گاه طبیعتی را که به زیباترین وجه زینت داده شده: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ...» (سجده/۷)، تبدیل به زشت‌ترین صحنه‌ها می‌کند.

از آیات شریفه فهمیده می‌شود که بین انسان و محیط زیست طبیعی رابطه و نسبت مستقیم برقرار است. همان‌گونه که رفتار ناپسند انسان‌ها موجب ظهور فساد در بر و بحر می‌شود: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم/۴۱)، رفتار مناسب نیز موجب گشایش درهای برکات آسمان و زمین می‌گردد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/۹۶). لذا آموزه‌هایی که مشتمل بر رعایت اصول اخلاقی در مناسبات انسانی است، نتایج ارزشمندی برای شکوفایی و توسعه محیط زیست طبیعی به همراه خواهد داشت؛ علاوه بر آن در متون دینی برای توسعه بخشیدن عناصر طبیعت، ثواب و پاداش مقرر شده است. چنان‌که از پیامبر اکرم ﷺ نقل است که فرمود: «مَنْ سَقَىٰ

طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظِلْمٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹، ص ۲۱۲). یعنی آبیاری درخت مانند سیراب کردن مؤمن تشنه، دارای ثواب و پاداش است و ثواب درخت کاری، جاری ساختن نهر، کندن چاه برای عمران آبادانی در کنار تعلیم دانش، ساختن مسجد و توریث قرآن و به جای گذاشتن فرزند، بعد از موت به انسان باز می‌گردد (نهج الفصاحه، ۱۳۵۴ش: ج ۱، ص ۴۹۷).

۲-۶. رسالت انسان و حفاظت از محیط زیست: محیط زیست طبیعی، میراث خداوند متعال برای موجودات زنده و آدمیان است، تا آدمی با رعایت سنت‌های الهی بر حفظ و توسعه آن همت ورزد و آن را از آلودگی‌ها و تخریب مصون کند؛ از این رو انسان در برابر خداوند، موجودات و بلکه تمامی آفرینش مسئول است.

انسان به‌عنوان جانشین خدا بر روی زمین، مکلف به اصلاح محیط زیست و حمایت از آن است. دلیل این مطلب آن است که نظام عالم، نظام احسن است و چیزی در این نظام بی‌فایده خلق نشده است تا آن را بی‌اهمیت بشمریم و حفاظت نکنیم (قلی زاده برندق، ۱۳۸۸ش: ص ۷۵). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ؛ مَا أَسْمَانُ وَزَمِينُ وَأَنْ قَدْ فِيهَا حَيَاتٌ وَبِهَا حَيَاتٌ وَبِهَا حَيَاتٌ وَبِهَا حَيَاتٌ» (انبیاء/۱۶). برای مثال می‌توان به احیای مراتع و جنگل‌ها و کاشت درختان و نیز به‌کارگیری روش‌های علمی برای جلوگیری از فرسایش خاک نام برد که از اقدامات سازنده در این زمینه است.

جایگاه محافظت و حمایت از طبیعت و منابع طبیعی به حدی مهم و ضروری است که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: کسی که درخت بیابانی و درخت مورد استفاده انسان را آب دهد، بسان کسی است که انسان مومنی را سیراب کرده است (حز عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۱۶). امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه، انسان را در قبال زمین مسئول می‌داند و در جایی دیگر سفارش به آبادی زمین می‌کند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸ش: خطبه ۱۳، ص ۵۷؛ همان، نامه ۲۴، ص ۵۰۳).

قابل ذکر است که خداوند خلقت انسان را برگرفته از طبیعت می‌داند؛ مثلاً در آیات زیادی تاکید دارد: ای انسان من تو را از خاک آفریدم: «... خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ...» (حج/۵). حال که جنبه ملکی و دنیایی انسان از خاک است، آیا این نتیجه حاصل نمی‌شود که در راه حفاظت از مادر فرعی خود کوشا و آن را در اختیار نسل‌های بعدی قرار دهد؟ از همین جهت خداوند دستور آباد کردن زمین را داده است: «... وَاسْتَعْمَرُوا فِيهَا...» و آباد کردن زمین را به شما سپرد» (هود/۶۱). خالق یکتا به جد از انسان خواست که زمین را آباد کند.

انسان قرآنی به خود اجازه نمی‌دهد، زیبایی‌ای که دست قدرت حق تعالی آن را در طبیعت به پا کرد، به کمترین بهانه‌ای از بین ببرد. در مدینه فاضله‌ای که قرآن ترسیم می‌کند، انسان برای

حیوانات و حتی گیاهان هم احترام قائل است. از همین جهت حق قطع درختان را بدون ضرورت ندارد. این حقیقت که درخت و حتی بوته گیاهی برای خود قانون و احترام دارد، در مکه و در حال احرام دیده می‌شود که بر حاجی حتی پرداختن کبوتری جائز نیست.

اگر گفتند روح سالم در بدن سالم است، انسان قرآنی، طبیعت را چون بدن خود می‌داند؛ چرا که جامعه سالم در محیط سالم است. انسان همان طور که در صحت بدن کوشا است و سعی دارد ضرری به آن نرسد، در نهضت سالم‌سازی محیط زیست و حمایت از آن نیز باید کوشا باشد.

«قوانین الهی شریعت» وظایف انسان‌ها را نسبت به نظم طبیعی و محیط زیست، به صراحت معین کرده است. انسان، به موجب احکام شرعی، نه تنها موظف است به انسان‌های دیگر کمک کرده و نیازهای بینوایان را برآورده کند؛ بلکه علاوه بر آن موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید (نجفی، ۱۳۶۵ ش: ج ۲، صص ۶۶-۶۹). او نه تنها موظف است به پدر و مادر خود مهربانی کند؛ بلکه باید درخت بکارد و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت نماید و از آن‌ها حمایت کند و آشیانه آن‌ها را از تباهی و آلودگی حفظ نماید (محقق داماد، ۱۳۷۱ ش: ص ۱۸۲).

قانون‌گذار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبی اکرم ﷺ در اصل ۵۰، در زمینه حفظ محیط زیست مقرر کرده است که: «در جمهوری اسلامی حفظ محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد؛ از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۸ ش: اصل ۵۰).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسئله محیط زیست از مهم‌ترین مسائل بشر امروز است که هر ساله هزینه‌های زیادی صرف بی‌توجهی به آن می‌شود. هر ساله سمینارها و نشست‌های زیادی برگزار می‌شود تا بتوانند بخشی از معضلات پیش آمده را پاسخگو باشند، ولی تغییر چشم‌گیری مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد باید تغییر رویکردی بنیادی نسبت به محیط زیست و مسائل مرتبط با آن انجام شود تا دگرگونی مناسبی در جهت بهبود شرایط زیست محیطی صورت گیرد. در مقاله حاضر سعی شده است تا مبانی نظری موثر در حفظ محیط زیست بر پایه معارف قرآنی مورد بررسی قرار گیرد. بررسی آیات قرآن و احادیث اسلامی نشان داد که پدیده‌های گوناگون در طبیعت، موجوداتی جان‌دار و ذی‌شعور هستند و به همین دلیل اعمال و رفتار ما در آن‌ها اثر مثبت یا منفی می‌گذارند. جانشینی

انسان از خداوند متعال، امتیازها و مسئولیت‌های فراوانی را برای او پدید می‌آورد. آفرینش بر پایه نظم از سوی پروردگار، موید آن است که انسان با اعمال خود، اکوسیستم زمین را بر هم نزند و با درنظر گرفتن چارچوب‌هایی، از دخل و تصرف بی‌رویه در آن پرهیز کند. لذا دارای درک و شعور بودن طبیعت، خلیفه‌الاهی بودن انسان، ایمان و تقوای انسان‌ها، وجود توازن در محیط زیست، تاکید بر بهره‌برداری از محیط زیست و حفاظت و حمایت از آن اصول شش‌گانه قرآنی در جهت حفاظت از محیط زیست به شمار می‌آیند.

آموزه‌های دینی در صدد تربیت انسان و جهت دادن او در طریق بندگی خدا است. هرگاه آدمیان به این آموزه‌ها عمل کنند و راه و رسم خلیفه‌الاهی را پیمایند، مشکلات فراوان زیست‌محیطی که اکنون با آن مواجه هستیم، رخت برمی‌بندد. هرگاه انسان‌ها حقوق یک‌دیگر را رعایت کنند؛ در بهره‌برداری از مواهب طبیعت راه اعتدال را پیش گیرند، دست از زیادت‌طلبی، حرص و آز، اسراف و اتلاف بردارند، همین دنیای خود را بهشت می‌یابند. ادیان‌الاهی افزون بر جهت‌گیری کلی برای رسیدن انسان به نقطه اوج کمال و انسانیت، راهکارهایی عملی در متن دین دارند تا جوامع در هر سطحی از ایمان به خداوند و عامل به فرمان‌های دینی، بتوانند محیطی به نسبت سالم داشته و از تجاوز انسان‌های متخلف جلوگیری کنند.



فهرست منابع

۱. **قرآن کریم.**
۲. **نهج البلاغه**، (۱۳۷۸ش)، مترجم: حسین، انصاریان، پیام آزادی، تهران.
۳. **نهج الفصاحه**، (۱۳۵۴ش)، مترجم: ابوالقاسم، پاینده، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، تهران.
۴. آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، (۱۳۸۵ش)، **شرح غررالحکم ودررالکلم عبدالواحد بن تمیمی آمدی**، دانشگاه تهران، تهران.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، دارالناصر، بیروت.
۶. اسلامی، محمدتقی، (۱۳۹۱ش)، **اسلام و اخلاق زیست محیطی با تأکید بر آرای آیت الله جوادی آملی**، فصلنامه اسراء، شماره چهارم، صص ۷۷ تا ۱۱۱.
۷. اکبری راد، طیبه، (۱۳۷۸ش)، **حفظ محیط زیست از دید قرآن و روایات**، الاهیات نامه، سال دوم، شماره پنجم، صص ۱۷ تا ۲۶.
۸. برخوردار، بنفشه، (۱۳۸۷ش)، **شناخت محیط زیست**، دانشگاه پیام نور، تهران.
۹. بونفو، ادوارد، (۱۳۷۵ش)، **آشتی انسان و طبیعت**، مترجم: صلاح الدین، محلاتی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۱۰. پژوهشکده شورای نگهبان، (۱۳۹۸ش)، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، تهران.
۱۱. پوررستمی، حامد؛ سلیمانی باغشاه، ام البنین، (۱۳۹۴ش)، **نقش مبانی هستی شناختی در تعامل با محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم**، مطالعات قرآنی، شماره ۲۴، صص ۹۵ تا ۱۲۰.
۱۲. جعفری، یعقوب، (۱۳۷۴ش)، **تفسیر کوثر**، موسسه انتشارات هجرت، قم.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۶ش)، **تفسیر موضوعی قرآن**، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۴. _____، (۱۳۸۸ش)، **حق و تکلیف در اسلام**، محقق: مصطفی، خلیلی، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۵. _____، (۱۳۸۹ش)، **انتظار بشراز دین**، محقق: محمد، مصطفی پور، مجله الکترونیکی اسراء، شماره ۱.
۱۶. _____، (۱۳۹۰ش)، **اسلام و محیط زیست**، محقق: عباس، رحیمیان، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۷. جهانگیر، عیسی، (۱۳۹۰ش)، **محیط زیست و بحران آن؛ رویکردی قرآنی**، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، صص ۶۳ تا ۸۴.
۱۸. حجتی، سید محمدباقر؛ سلامی، زهرا، (۱۳۹۰ش)، **عدالت زیست محیطی در آموزه های قرآن و حدیث**،

- تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء علیها السلام، سال هشتم، شماره دوم، صص ۱ تا ۲۶.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسایل الشیعه*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم.
 ۲۰. حسینی دشتی، سیدمصطفی، (۱۳۷۸ش)، *معارف و معارف*، موسسه فرهنگی آرایه، تهران.
 ۲۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، *لغت نامه*، نشر روزنه، تهران.
 ۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۶ش)، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، مرتضوی، تهران.
 ۲۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷ش)، *تفسیر قرآن مهر*، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم.
 ۲۴. روان شادنی، مهدی، (۱۳۹۲ش)، *مرجع مدیریت ایمنی در پروژه های عمرانی*، نشر سیمای دانش، تهران.
 ۲۵. زروانی، مجتبی؛ خداجویان، فاطمه، (۱۳۸۴ش)، *پاسداری از محیط زیست در آیات و روایات*، پژوهش دینی، شماره ۱۲، صص ۲۵۱ تا ۲۶۶.
 ۲۶. سلیمانی، ایران؛ راعی، مسعود؛ واعظی، سیدحسین، (۱۳۹۵ش)، *مبانی حق بر محیط زیست در فقه امامیه*، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۷۵ تا ۱۰۰.
 ۲۷. شاه ولی، منصور؛ کاوری زاده، باسم، (۱۳۷۸ش)، *مجموعه مقالات اسلام و محیط زیست*، سازمان محیط زیست، تهران.
 ۲۸. صادقی، حسین؛ فراهانی، سعید، (۱۳۸۹ش)، *محیط زیست از منظر دین و اقتصاد*، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۰، صص ۲۳ تا ۵۱.
 ۲۹. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم: سیدمحمدباقر، موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
 ۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان*، مؤسسه الأعلمی المطبوعات، لبنان.
 ۳۱. قرائتی، محسن، (۱۳۷۸ش)، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران.
 ۳۲. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۳۸۶ش)، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
 ۳۳. قلی زاده برندق، احدالله، (۱۳۸۸ش)، *اخلاق محیط زیست*، کوثر معارف، شماره ۱۲، صص ۶۳ تا ۸۳.
 ۳۴. قمی، عباس، (۱۳۹۷ش)، *مفاتیح الجنان*، مصحح: سید هاشم، رسولی محلاتی، مترجم: سید احمد، حبیبی محلاتی، نشر بوستان، تهران.
 ۳۵. کیارسی، نسرین؛ رشیدکلویر، حجت اله، (۱۳۹۲ش)، *مفهوم پایداری در تعریف معماری پایدار*، اولین همایش منطقه ای معماری پایدار و شهرسازی ایذه.
 ۳۶. کیس، الکساندر، (۱۳۷۹ش)، *حقوق محیط زیست*، مترجم: محمدحسن، حبیبی، دانشگاه تهران، تهران.

۳۷. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۶۳ش)، *اسلام و محیط زیست*، مجله نور علم، شماره ۴، صص ۱۱۱ تا ۱۱۶.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحارالأنوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۹. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۷۱ش)، *طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام*، مجله رهنمون، شماره ۲ و ۳، صص ۷۸ تا ۸۹.
۴۰. معین، محمد، (۱۳۸۲ش)، *فرهنگ فارسی*؛ زرین، تهران.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
۴۲. نجارپوریان، علی، (۱۳۹۰ش)، *محیط زیست از منظر قرآن و سنت*، بینات، شماره ۶۹، صص ۱۷۸ تا ۲۰۳.
۴۳. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۵ش)، *جواهرالکلام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۴. نوبری، علی رضا، (۱۳۹۹ش)، *جایگاه عدالت رفتاری در رابطه انسان و محیط زیست از نگاه قرآن*، آموزه‌های قرآنی، شماره ۳۲، صص ۲۱۹ تا ۲۳۸.
۴۵. نورائی، محسن، (۱۳۹۱ش)، *جهان بینی قرآنی و محیط زیست*، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۶، صص ۳ تا ۲۲.
۴۶. نوروزی، غلامرضا، (۱۳۷۷ش)، *توسعه پایدار، جامعه روستایی ایران و آبخیزداری*، مجله جنگل و مرتع، شماره ۳۸-۳۹، صص ۲۴ تا ۳۸.
۴۷. هاشمی علی آبادی، سید احمد، (۱۳۹۸ش)، *تحلیل مسوولیت‌های اخلاقی انسان، در تعامل با محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم*، معارف قرآنی، شماره ۳۹، صص ۹۲ تا ۱۰۹.